

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال سیزدهم، شماره‌ی پنجاه‌ویکم، بهار ۱۴۰۱، صص ۵۵-۸۵
(مقاله علمی - پژوهشی)

ریشه‌یابی خاستگاه تاریخی، موقعیت و نوع پوشش شاطران در مراسم تعزیه‌ی عاشورا در روستای جَزَن دامغان

معصومه طوسی^۱

چکیده

در روستای جَزَن، در روز عاشورا، شاطرانی با پوشش خاص در نماد فرشته، جلوی اسب امام حسین و یارانش می‌دوند و راه را باز می‌کنند. بررسی پوشش شاطران فرشته‌نما و سیر تغییرات آن و جایگاه شاطران در بستر تاریخی، هدف اصلی این پژوهش است. این پژوهش به روش توصیفی-تاریخی، سیر تطور نوع پوشش و جایگاه شاطران را در روستای جَزَن از دوره‌ی باستان تا دوره‌ی معاصر بررسی می‌کند. در این پژوهش علاوه بر اسناد تاریخی، از شواهد تصویری سفرنامه‌ها، نگاره‌ها و تحقیقات میدانی نیز استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که در دوره‌ی باستان و اوایل دوره‌ی اسلامی، شاطران از نظر نوع پوشش و جایگاه، به عبارات و پهلوانان شباهت داشته‌اند. در دوران صفویه، قاجاریه و پهلوی، شاطران در خدمت اقشار بالای جامعه بوده‌اند و طرح و رنگ پوشش آنها، با عوامل اجتماعی و ورود فرهنگ بیگانه ارتباط داشته است. در دوره‌ی معاصر، شاطران در فرهنگ مردمی بازتاب داشته‌اند و در عزاداری عاشورا با پوشش سیاه و سبز نمایان شده‌اند. پوشش نمادین آنها گویای اعتقادات مذهبی و سنن فرهنگی است. پوشش‌های مشترک نمادین و دویدن در رکاب بزرگان در دوره‌های تاریخی، نشان از موروثی بودن و اهمیت نقش شاطران در مراسم تعزیه است که تاکنون برجای مانده است.

واژه‌های کلیدی: شاطر، دوره‌های تاریخی، پوشش شاطران، تعزیه، روستای جَزَن

۱. عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه سمنان samira.toosi@semnan.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۴ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۲/۲۰

مقدمه

توجه به قاعده‌مند بودن پوشش با ویژگی نمادین و قراردادی آن، به اصیل بودن فرهنگ و مظاهر فرهنگی کمک می‌کند. در گذشته، شاطری یک شغل بود و شاطرها پیادگانی بودند که با لباس‌های چند رنگ و کلاهی چون تاج بلند و عصا، پیشاپیش شاهان راه می‌رفتند. تحولات اجتماعی در طی زمان موجب شد که شغل شاطری از رونق بیفتد. امروزه، شاطری فقط در روستای جزن دامغان و در مراسم تعزیه روز دهم محرم، با پوشش خاص فرشته‌نما و دویدن در رکاب بزرگان دین، به صورت نمادین اجرا می‌شود. در این تحقیق، جایگاه و نوع پوشش شاطران در روستای جزن در دوره معاصر و نیز دوره‌های تاریخی گذشته بررسی و شباهت‌ها و تفاوت‌ها و دلایل تغییرات آن بازگو می‌شود. مقاله حاضر در پی پاسخ به سه سوال است: ۱. نوع پوشش شاطران در روستای جزن چگونه است؟ ۲. تفاوت‌ها و شباهت‌های پوشش شاطران در دوره‌های تاریخی چگونه بوده است؟ ۳. جایگاه شاطران در مراسم عاشورا و دیگر مراسم تاریخی چگونه بوده است؟ در این پژوهش تلاش می‌شود که با دسته‌بندی چهار دوره تاریخی و توصیف نوع پوشش، ابهامات موجود درباره خاستگاه تاریخی شاطران برطرف و جایگاه آنها در دوره معاصر مشخص شود. گفتنی است که ارزش شاطران در آداب پوشش و حفظ مقام ارزشمند آنهاست.

در زمینه مطالعات تخصصی درباره شاطران، آثاری چند قابل ذکر است. از قدیمی‌ترین آثار مکتوب درباره شخصیت شاطرانی که همانند عیاران عمل می‌کرده‌اند، به داستان‌های مردمی فارسی باید اشاره کرد. *درب‌نامه* اثر محمد بیغمی (۱۳۴۱) از جمله آثار مکتوب در خصوص شیوه و راه و رسم شاطران است که آنها را هم ردیف با پهلوانان و عیاران توصیف کرده است. از دیگر مطالعات در این باره، کتاب‌های *تاریخ فرهنگ زورخانه* اثر غلامرضا انصاف‌پور (۱۳۵۳)، *نقش پهلوانی و نهضت عیاری در تاریخ اجتماعی و حیات سیاسی ملت ایران و تعریف زورخانه اثر کاظم کاظمینی* (۱۳۵۳) است. کتاب اخیر، به بنیادهای ورزش باستانی ایران و محترم شمردن آئین عیاری و فتوت پرداخته است. حسین میرجعفری (۱۳۵۶)، در مقاله‌ای با عنوان «شاطری و شاطردوانی در عصر صفویه با نگاهی به سفرنامه‌ها» بیشتر به شغل شاطری پرداخته

است. در سفرنامه‌ها به پوشش شاطرانی اشاره شده که در خدمت بزرگان بودند. سفرنامه ژان باتیست تاورنیه (۱۳۶۳) و سیاحت‌نامه ژان شاردن (۱۳۶۳) از آن جمله است. مهران افشاری و مهدی مدائنی (۱۳۸۸) در کتاب چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، در فصل «رساله شاطران»، شاطران را جزو فتیان و جوانمردان برشمرده‌اند و به ارتباط پوشش شاطران با بزرگان و یاران رسول اکرم اشاره کرده‌اند. از متأخرترین منابع مکتوب به پژوهش مهران افشاری با عنوان شاطر (۱۳۹۸) باید اشاره کرد. در این پژوهش، با اشاره به داستان‌های کهن و رساله‌های دوره صفوی و قاجار، به صورت کلی به پوشش و مقام شاطران پرداخته شده، اما دلایل تغییر پوشش شاطران و نوع پوشش آنها را در دوره پادشاهان مختلف به تفکیک بازگو نشده است. به گفته افشاری، رسم شاطری در اواخر دوره قاجار منسوخ شده است. در هیچ یک از منابع پیش‌گفته، به پوشش شاطران در مراسم تعزیه و دلایل تغییر پوشش‌ها پرداخته نشده است.

پژوهش پیش‌رو، به شیوه توصیفی - تاریخی انجام شده و داده‌های آن با جست‌وجو در منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، مشاهده آثار و به صورت میدانی جمع‌آوری شده است. در این مقاله برای تجزیه و تحلیل پوشش و موقعیت شاطران در دوره‌های تاریخی، نگاره‌های شاهنامه طهماسبی، نگاره‌های موزه متروپولیتن، نقاشی‌های موجود در سفرنامه‌ها، تصاویر مربوط به دوره قاجار، تصاویر مراسم تعزیه روستای جزن دامغان در سایت‌های خبرگزاری‌ها و تصاویر گرفته شده به صورت میدانی استفاده شده است.

معانی و تعریف شاطر با توجه به پوشش و موقعیت

«شاطر مردی چست و چالاک است که با لباس مخصوص، پیشاپیش شاهان و امیران راه می‌رود و یا نامه‌ای را به سرعت به مقصد می‌رساند.» (معین، ۱۳۸۲: ۱۶۳۴) «نوعی پیادگان با لباس‌های چند رنگ و کلاهی چون تاجی بلند که پیشاپیش شاهان پیاده رفتندی و شاید در قدیم پیک و قاصد بوده‌اند.» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۲۰۰۷) «شاطران قدیم به عیاران شباهت داشته و همانند آنان زیرک بوده‌اند و گویا شاطران بقایای شطاران بوده‌اند» و شطاریه فرقه‌ای از صوفیه اسلامی در قرون هشتم و نهم هجری بوده است (شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۵۲). شغل شاطران بیشتر ارثی بود و از پدر به فرزند منتقل می‌شد. از

آغاز عهد مشروطیت به سبب رواج کالسکه و ماشین، استخدام شاطر در دستگاه دولت و رجال برافتاد. «اکنون حرکت دسته‌ای از شاطران پیشاپیش دسته‌های عزاداری عاشورا بقایایی از آن رسم است که به یقین پس از صفویه به دسته‌های عزاداری ملحق گشته است.» (ذوالفقاری، ۱۳۷۲: ۳۲)

پیشینه پوشش شاطران در دوران قبل از ظهور اسلام تا قرن نهم هجری قمری

در کتاب *مینو خرد پهلوی* باب ۴۳، با توجه به فلسفه و جهان‌بینی ایرانیان در دوران باستان که فلسفه مبارزه است، برای تجهیز پهلوانان و یاران اهورامزدا در جنگ با اهریمن چنین ندا داده شده: «روان دانش را بر خود بیاراید و جامه اعتماد به نفس و اطمینان بر تن کنید و سپر راستی و درستی در دست بگیرید و با گرز سپاس و کمان تدارک آماده به جنگ با اهریمن بشتابید» که اشاره به پوشش ورزشکاران باستانی دارد. احساسات ضد اهریمنی و جانبداری از اهورامزدا، بعد از ظهور اسلام، در کسوت عیاری و به صورت لعن بر غاصبان خلافت و ستایش علی (ع) نمایان شد و در پیشبرد این شعارها بیش از همه، عیاران و شاطران راسخ بودند. از وجوه تشابه عیاران و شاطران به ورزشکاران باستانی این نکته قابل ذکر است که عیاران و شاطران به پیروی از حمزه سیدالشهداء در نهایت از خود گذشتگی، با بدن برهنه به میدان می‌رفتند و فقط لنگ برکمر خود می‌بستند. سابقه لنگ بستن هم از دوره باستان به عیاران رسیده است. شلوارهای باستانی که امروزه در پای پهلوانان می‌بینیم از نوع پیش‌بندی است که شاطران در موقع جنگ می‌بستند (انصافپور، ۱۳۵۳: ۱۴-۱۳).

از بعضی داستان‌های مردمی فارسی، مانند داراب‌نامه بیغمی برمی‌آید که دست‌کم از حدود قرن هشتم هجری قمری / چهاردهم میلادی، گروهی از عیاران همچون شاطران عمل می‌کردند و در رکاب شاهزادگان و بزرگان و یا پیشاپیش آنان می‌دویدند و یا در حال دویدن پیام می‌رساندند. برای نمونه مشخصاتی که نویسنده *داراب‌نامه* برای طارق عیار برمی‌شمارد، تقریباً همان ویژگی‌هایی است که یک شاطر دارد. به روایت این کتاب، «طارق عیار نیم‌تنه زربفت پوشیده، کمند ابریشمین در گرد کمر درآورده، دو خنجر سربُر از بند کمر درآویخته، ۲۴ زنگوله زرین از پیش ناف درآویخته، نجخی

(تبرزین) زرین بر دوش گرفته و در پیش مرکب بهزاد دوان گشته بود تا به دمشق رسیدند» (۱۳۳۹: ۸۸۱-۸۸۲).

در قرون هفتم تا نهم هجری قمری که دوره تسلط مغولان و تاتاران بر ایران است، شاطران در مواقع عادی که مملکت ثبات سیاسی و اجتماعی داشت، در سازمان‌های منظم و تشکیلات دولت خدمت می‌کردند. اما فرصت بروز قدرت نمی‌یافتند و فقط در مواقع تسلط بیگانگان به جرگه عیاران در می‌آمدند (انصافپور، ۱۳۵۳: ۱۶-۱۷).

پوشش شاطران در آیین فتوت

آداب و آیین شاطران بعد از اسلام، به همان شیوه عیاران و پهلوانان کشتی‌گیر بوده است. تقوی، طهارت، صداقت، امانت و دیگر خصال پهلوانی را به پیروی از مکتب فتوت در کسوت خود داشتند (محبوب، ۱۳۷۱: ۱۱). در «رساله شاطران» کتاب رموز حمزه و ماجراهای عمرو عیار، به این خصایص اشاره شده است. در این کتاب، عمرو بن امیه ضمری را پیاده رکاب و پیک حمزه بن عبدالمطلب نام می‌برد که به عنوان پیر شاطران برگزیده شده بود. پوشش عمرو در این رساله به این شرح است: «سینه‌پوش یا نیم‌تنه می‌پوشید که آن را جبرئیل از بهشت آورده است. او قنظوره یا لباس کوتاهی با بندهای زیاد می‌پوشید و بر ۷ جای آن ۷ سوره قرآن نوشته شده بود. مرس یا ریسمانی ۱۲ رشته به نشانه ۱۲ امام، به کمر و گردن خود می‌بست که نشانه صلاحیت و قدم بر کار خیر نهادن بود. از آنجاکه عارفان و شاطران باید صدای زنگ خود را بشناسند، او نیز زنگی به کمر می‌بست.» زنگ حیدری^۱ بستن به بازو و دامن و کمر توسط شاطران، با زنگ بستن به بازو توسط پهلوانان عالی مقام شباهت دارد. پیش‌بند و یا نطعی بستن، با بستن لنگ و تمرین دو شلنگ اندازی، با شلنگ تخته در گود شباهت دارد. داشتن نیرومندی و ورزیدگی، سلسله شاطران را با تاریخ زورخانه پیوند می‌دهد. عمرو تاج و کلاه تباله^۲ بر سر می‌گذاشت و «یکه‌پری» بر سر می‌زد. لنگی بر کمر می‌بست که از چهل تنان و از سلمان فارسی بر او حواله شده بود. پنجه‌پیچ، سینه‌پوش و پاپوش عمرو از صالح پیغمبر به او رسیده بود. نجخ یا چوب‌دستی پدر عمرو را حضرت داوود نبی ساخته، و دست‌به‌دست به او رسیده بود؛ این موارد از

عمرو برای شاطران به یادگار مانده بود و شاطران نمادهایی از آنها را می‌پوشیدند و به اصول او عمل می‌کردند (افشاری و مدائنی، ۱۳۸۸: ۱۳۵-۱۲۱).

پوشش شاطران در سفرنامه سیاحان در دوره صفویه و قاجاریه

سیاحان مشهور مشاهدات خود را از حرفه و پوشش شاطران، در سفرنامه‌هایشان ثبت کرده‌اند. تاورنیه^۳ که بین سال‌های ۱۰۴۱-۱۰۷۹ ق/ ۱۶۳۱-۱۶۶۸م به ایران سفر کرده بود، نوشته است که هیچ‌یک از بزرگان، پیاده حرکت نمی‌کنند و بر اسب سوارند و یک یا دو نفر نوکر پیاده که آنها را شاطر می‌نامند، در جلو اسب می‌دوند که راه را باز کنند و کمربندی می‌بندند که سه زنگوله در جلو و روی شکم آویزان است (میرجعفری، ۱۳۵۶: ۵۷). در سال ۱۰۸۵ ق/ ۱۶۷۴م، کمپفر^۴ برخلاف دیگران، از ۱۲ شاطر زمان شاه سلیمان اول سخن می‌گوید که آراسته به جواهر و با ران‌های برهنه و شنلی سبک، شاه سلیمان را احاطه می‌کردند (تصویر ۱) (۱۳۵۰: ۲۳۳). به نوشته شاردن^۵ پوشاک شاطر عبارت بود از «پیراهن و یک تنکه صاف و ساده و تا اندازه‌ای نازک از کرباس که لبره‌ایش را مستور می‌ساخت. پاپوش شاطر زیره نداشت و پایش برهنه بود و فی‌الجمله کلاه بی‌لبه‌ای به سر داشت که تا گوشش فرود آمده بود، روی کلاه شاطر برگردن و بازو و بدن وی تعویذ و طلسمی مشاهده می‌شد» (۱۳۳۵: ۱۹۶-۲۰۸). در دوره قاجار و اوایل سلطنت فتحعلی‌شاه، «دروویل^۶ در سال‌های ۱۲۲۷-۱۱۲۸ ق در خاطراتش از شاطرباشی می‌نویسد که سردسته شاطران بود و همه شاطران کلاه مخصوص بر سر و چماق کوتاهی در دست داشتند» (۱۳۴۸: ۲۲۸). در دوره قاجار و در فاصله سال‌های ۱۲۲۳-۱۲۳۱ ق، «جیمز موریه^۷ در خاطراتش شاطران را با جامه‌های عجیب نام برده است (۱۳۸۶: ۸۰). «کنت گوینو^۸ در فاصله سال‌های ۱۲۷۲-۱۲۷۵ ق، به چوب‌دستی‌های بلند شاطران اشاره کرده است (۱۳۶۷: ۱۱۷). «کارلاسرنا^۹ جهانگرد ایتالیایی در وصف شاطرهای دوره ناصرالدین شاه و درباره رنگ و تزئین لباس شاطرها نوشته است: «کلاه از پارچه پررنگ پولک‌دار، مجهز به چیزهای شیشه‌ای و تزئیناتی از حلبی‌های مشبک بر سر می‌گذارند و شال سفیدی دور کمر می‌بندند» (۱۳۶۲: ۱۱۶).

پوشش شاطرهای عهد شاه صفی

شاطرهای عهد شاه صفی، قبایی بلند می‌پوشیدند و گوشه‌های دامن آن را به عقب برمی‌گرداندند و محکم به کمر می‌بستند. پیراهن یقه گرد تا بالای زانوها می‌رسید. یک کلاه پوستی که آفتابگردانی بزرگ داشت بر سر می‌گذاشتند و پری به پهلوی کلاه می‌زدند که علامت شاطری هم بود. آنها شلواری تنگ داشتند که پاچه‌های آن را در زیر مچ پیچ می‌بستند. کفش سبک و نرم به پا می‌کردند تا آسان و تند بدونند. به اطراف کمر بند خود تعدادی گوی و، یا زنگوله می‌آویختند که از علائم مخصوص شاطرهای آن زمان بود و عصای سرکج بلندی به دست می‌گرفتند (تصویر ۲) (میرجعفری، ۱۳۵۶: ۶۰). تصویر شماره ۳ اثر هنرمند رضا عباسی در قرن ۱۷ میلادی است که رابرت شرلی^۱ جهانگرد و ماجراجوی انگلیسی را به تصویر کشیده است. پوشش شاطران در قسمت جوراب به جای مچ‌پیچ، کلاه، پر، بندینک‌های دور بازو و عصا به پوشش رابرت شرلی بسیار شبیه است و این‌طور به نظر می‌آید که نوع پوشش او مورد تقلید شاطران قرار گرفته است.



تصویر ۱. دوازده شاطر در پیشاپیش شاه سلیمان صفوی در باغ هزار جریب اصفهان در حال حرکت (کمپفر، ۱۳۵۰: ۲۳۳).



تصویر ۴. شاطر عهد شاه سلطان حسین صفوی. (کاظمینی، ۱۳۵۳: ۲۰۲).



تصویر ۳. نقاشی سر رابرت شرلی، قرن ۱۷م. اثر رضا عباسی مجموعه ریتلینگر (پوپ، ۱۳۸۷: ۹۱۹).



تصویر ۲. تن پوش شاطر (میرجعفری، ۱۳۵۶: ۶۰).

پوشش شاطرهای عهد شاه سلطان حسین صفوی

در عهد شاه سلطان حسین صفوی، کلاه پوستی آفتابگردان شاطرها به عمامه خوش‌پیچی تبدیل شد که از وسط کلکی آن یک دسته پر رنگین به عقب سر ریخته می‌شد. در طرف راست عمامه، تک پری که از علائم شاطری است به طور عمود بیرون می‌زد. پیراهن شاطران این دوره با گذشته فرقی نکرده است. از بالای شانه‌ها دو رشته گوی یا زنگوله‌های مجوف که به دو منگوله ابریشمی خوش‌رنگ منتهی می‌شد، روی دو طرف سینه تاب می‌خورد و نیز شالی به کمر می‌پیچند و روی آن کمر بند زنگوله‌دار شاطری می‌بستند. چند رشته منگه بلند که ته آنها به جلوی کمر بند وصل می‌شد، در پیش دامنه‌شان آویزان بود و نیز دو منگوله بزرگ با گوی‌های مجوف از طرف راست به پر شالشان می‌آویختند. دو بند چرمین به شکل تسمه باریکی، از چپ و راست سینه و پشت می‌گذشت و برای نگه داشتن کمر بند شاطری به آن متصل می‌شد. شلوار شاطری این دوره نیز مانند پیش تنگ و کوتاه بود که زنگالی هم بر روی پارچه‌های آن می‌کشیدند و، یا مچ‌پیچ می‌بستند. کفش‌ها به نیم چکمه‌هایی تبدیل شد که دو ساقه چرمی تو در تو داشت. عصای سرکج بلند، به چوب کوتاه و گرزمانندی تبدیل شد که سرباریکش در دست و سر قطور آن به طرف پایین بود. عمامه و ریش که از مختصات رواج زهد و دینداری در عهد شاه سلطان حسین است، با قیافه رند ماجراجوی شاطر بیگانه و موقتی می‌نماید (تصویر ۴). (کاظمینی، ۱۳۵۳: ۱۹۸-۲۰۲).

پوشش شاطران در نگارگری‌ها

در نگاره‌های مربوط به اواخر دوره تیموری و دوره صفوی، در اکثر نقاشی‌ها، پادشاهان و بزرگان سوار بر اسب و شاطران به صورت پیاده در جلوی اسبان به تصویر کشیده شده‌اند. پوشش شاطران، با کلاه بلند و پری در کلاه و اغلب با تبرزین و شلواری تنگ و جورابی بلند، به آسانی قابل تشخیص است. مهم‌ترین نگاره‌هایی که تنوع پوشش شاطران را نشان می‌دهد، از این جمله‌اند: نگاره‌های نسخه *ظفرنامه تیموری* در سده‌های نهم و دهم هجری قمری اثر کمال‌الدین بهزاد (تصویر ۵). برگی از *شاهنامه شاه طهماسبی*، در دوره صفوی، صحنه آمدن سفیر فریدون نزد سلم و تور (تصویر ۶).



تصویر ۶. تن پوش شاطر و کلاه
تزیین دار (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۸۶)



تصویر ۵. شاطران با پوشش خاص در
جلوی اسب بزرگان در صحنه استقبال
تیمور از همسر امیرزاده جهانگیر
(یزدی، ۹۳۵: ۷۰۸).

در نگاره مربوط به نسخه تاریخی *خمسه طهماسبی* در کتابخانه بریتانیا لندن، پیرزنی در حال اعتراض به سلطان سنجر سلجوقی ترسیم شده است. نگارگر، شاطر را در جلوی اسب سلطان سنجر قرار داده و طریقه صحیح به زمین گذاشتن چوب‌دست شاطری را به تصویر کشیده است. سبک این نگاره به شیوه مکتب دوم تبریز است (تصویر ۷) (پاکباز، ۱۳۸۱: ۲۰۶). در *شاهنامه شاه طهماسبی*، نگاره‌ای منصوب به قاسم علی و میر مصور، سیاوش در حال گشت و گزار در سیاوشگرد، بر در کاخ فرنگیس به تصویر در آمده که در جلوی اسب بزرگان، شاطران قرار دارند (تصویر ۸).



تصویر ۸. شاطران با کلاه بلند و تبرزین در دست در جلوی اسب بزرگان (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۲۰۴).



تصویر ۷. طریقه صحیح روی زمین گذاشتن چوب‌دست شاطر در نگاره حکایت سلطان سنجر و پیرزن (شاهنامه طهماسبی، نگاره ۷۶۲)

پوشش شاطر در زمان قاجار

لباس شاطران در عصر قاجار، کمرچین و کلاه بوقی سرخ‌رنگ و پایپج بوده است (داعی‌السلام، ۱۳۰۸: ۴۸۲). در آن زمان، هنگام ورود مهمانان خارجی به پایتخت، در مراسم تشریفات، شاطران پیشاپیش اسب آنان می‌دویدند. با این تعریف آنها وظایف گارد احترام را عهده‌دار بودند. تعداد شاطرها در مراسم تشریفات، نسبت به مراتب اهمیت مهمانان کم و زیاد می‌شد. در زمان محمدشاه قاجار (۱۱۷۵ش)، شاطران کلاه نمدی خوش‌ترکیبی به سر می‌گذاشتند که در گرداگردش نشان‌ها و پولک‌های فلزی دوخته شده بود و چهار دسته موی یال و، یا دم اسب از چهار گوشه آن بیرون می‌آمد. شاطران قبای بلندی به بر می‌کردند که سمت راست آن چاک داشت و شال بزرگی به کمر می‌بستند و خنجری بر آن می‌گذاشتند و نیز بر روی بازوها و سینه لباس، فاصله به فاصله، پولک‌هایی می‌دوختند و همچنین حمایلی که قلاب‌دوزی‌هایی به شکل برگ خرما در آن منقوش است، روی دوش راست خود می‌انداختند. پیراهن سفید یقه گرد بر تن و شلوار گشادی به پا می‌کردند که دامن بلند قبا روی آن را می‌پوشاند. جوراب‌های سفید خال‌دار و کفش بی‌پاشنه مثل نعلین‌های نوک برگشته به پا می‌کردند.

ریشه‌یابی خاستگاه تاریخی، موقعیت و نوع پوشش شاطران ... | ۶۵

نعلین پای شاطرها و زیب و زیور سراپای آنان، شاطران را در کسوت گارد محافظ پایتخت می‌نمایاند (تصویر ۹).

لباس شاطرها در زمان ناصرالدین شاه، سرداری^{۱۱} از ماهوت سرخ بود که دامن چین‌دار داشت و روی سینه و حاشیه‌ها و آستین آنها با نواردوزی و تکه‌های برنجی زیب و زیور می‌شد. کمربند پولک‌دار خوش‌نمایی، سرداری را به بدن برازنده تر و محکم‌تر نگه می‌داشت. کلاه تاجی، کنگره‌دار و بزرگ بود که با گل‌های پشمی سرخ و سیاه و سبز گلدوزی می‌شد. جوراب، پاتاوه سفیدی بود که تا سرزانوها می‌رسید و لبه شلوار سبز ماهوت را در زیر می پوشاند. چوب‌دستی‌ها اشکال مختلفی داشتند (تصویر ۱۰) (کاظمینی، ۱۳۵۳: ۲۰۷). هنگامی که ناصرالدین شاه به اتریش رفت و لباس گارد امپراتوری را دید، پس از بازگشت به تهران، گروه شاطر شاهی را با الگوبرداری از لباس گارد امپراتوری اتریش برای خود تدارک دید (تصویر ۱۱). آنان باید پا به پای حرکت کالسکه، در کنار و، یا در جلوی آن می‌دویدند (سعدوندیان، ۱۳۹۰: ۱۴۸).



تصویر ۹. پوشش شاطران در زمان محمد شاه قاجار (کاظمینی، ۱۳۵۳: ۲۰۷)



(تصویر ۱۱) لباس شاطران
دربار سلطنتی آلمان
(steeie,1955,p 371)



(تصویر ۱۰). شاطران در عهد ناصرالدین شاه سال
۱۲۵۰ (کاظمینی، ۱۳۵۳، ۲۰۵-۲۰۶)

پوشش شاطر در زمان پهلوی

شاطری تا چهل سال قبل هم در ایران معمول بود. اینان با کاروان‌ها و مردمی که از معابر ناامن گذر می‌کردند، همراه می‌شدند و از آنها محافظت می‌کردند. شاطران تا اوایل سلطنت رضاشاه (۱۳۰۴ ش) دیده می‌شدند و در مراسم تاجگذاری با لباس شاطری حضور می‌یافتند (تصویر ۱۲). پس از پیدا شدن وسائل نقلیه و تلگراف و تغییر سیستم اجتماعی کشور از فرم قدیم به صورت جدید، دوره حضور شاطران در ایران پایان یافت و دیگر اثری از شاطرخانه سلطنتی باقی نماند. امروزه تنها در یکی از دهات ایران، در مراسم تعزیه‌خوانی روز عاشورا، افرادی با لباس شاطران - که تقریباً از هر دوره تاریخی عنصری را به وام گرفته‌اند - در رکاب امام حسین راه را باز می‌کنند و طبق رسم شاطری با قدم‌های بلند می‌دوند (کاظمینی، ۱۳۵۳: ۲۰۹) نمونه کلاه شاطری که در مجموعه لباس‌های مخزن در کاخ گلستان (تصویر ۱۳) باقی مانده، به سال ۱۳۳۳ ش مربوط است که بر روی آن عبارت وقف حسینیه مرحوم حاج محمود قوام چاپ شده است. از این نمونه می‌توان دریافت که در دوره پهلوی شاطران در مراسم عزاداری‌ها و در رکاب بزرگان دین نقش بازی می‌کردند. کلاه آنها بسته به موقعیت فرهنگی و منطقه تغییر می‌کرد.



تصویر ۱۳. کلاه شاطر،
وقف حسنیه مرحوم حاج
محمود قوام، سال ۱۳۳۳.
(مجموعه لباس‌های مخزن
کاخ گلستان به شماره
ثبتي (۶۶۸ - m)



تصویر ۱۲. شاطران با کلاه‌های بلند و تزیین شده در روز
تاجگذاری رضا شاه پهلوی. سال ۱۳۰۵.

بسترهای تاریخی حضور شاطران در دامغان

به علت قرار گرفتن روستای جزن در پنج کیلومتری شرق دامغان و نزدیک بودن به شهر و نیز قرار داشتن در مسیر خراسان قدیم، جریان‌های تاریخی رخ داده در دامغان، منطقه جزن را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

فرهنگ شهر دامغان آمیزه‌ای از فرهنگ اسلامی- ایرانی کهن است که از علل آن به قرن‌ها حضور اسلام در این وادی و وجود اولین مسجد ایران، مسجد تاریخانه، در این شهر باید اشاره کرد. اکثریت مردم دامغان شیعه دوازده امامی بوده‌اند و وجود فرهنگ قدیمی و غنی عزاداری برای حسین بن علی (ع)، سال‌ها، بسیاری از مردم را به این شهر و دیار فرا خوانده است (شایسته فر، ۱۳۸۱: ۶۴). به گفته صاحب معجم‌البلدان، دامغان مرکز قومس بوده و از ری تا سبزوار وسعت داشته و در دوره‌های تاریخی مختلف، تحت تأثیر لشکرکشی‌ها و حوادث مذهبی و سیاسی قرار گرفته است. به عیاران و شطاران جمیع‌الفتیان می‌گفتند و ضعیف نواز بودند. آنها در ابتدا بر ضد حکومت عربی بنی‌امیه عرض وجود کردند و بنی‌عباس را بر سر کار آوردند. این عیاران در منطقه

قوس نیز دیده شده‌اند. به طوری که ابن بطوطه در سفرنامه خود می‌نویسد: «در خراسان دو تن از شطاران بودند به نام مسعود و محمد که پنج تن همراه داشتند که در خراسان سربداران می‌گویند و شهر بیهق نزدیک سبزوار را به تصرف خود درآوردند» (کشاوری، ۱۳۷۰: ۲۶۲۴). از طرفی شطاریه را طیفوریه نیز می‌نامیدند، چرا که نسب این سلسله به بایزید بسطامی (طیفور بن عیسی) عارف قرن سوم هجری قمری می‌رسد (مدرسی عالم و محجوب، ۱۳۳۹: ۱۵۲) و مقبره بایزید در منطقه قوس و در فاصله هفتاد کیلومتری شهر دامغان قرار گرفته است. در دوره صفوی، شاه اسماعیل برای پاک کردن ایران از بقایای وحشیان بیابانگرد مغول، به مناطق مختلف عزیمت کرد. او در دامغان، به دلیل مرکزیت و اهمیت قوس که در منطقه کویری قرار داشت، تردد می‌کرد و رجال پیاده همراهی‌اش می‌کردند. شطاران و عیاران نیز مردان صاحب‌نامی بودند که به علت برقراری عدالت و حکومت صالح، از زمان صفویه به بعد، به خدمت سلاطین درآمدند و پیاده در رکاب بزرگان بودند (کشاوری، ۱۳۷۰: ۸۶).

پس از استقرار مشروطیت در دامغان، عدلیه تشکیل و شخصی به نام امیر اعظم حاکم عدلیه شد. او که معاون وزارت جنگ در کابینه سپهدار بود، فراش‌های حکومتی زیادی داشت که در مناطق مختلف کارهای اجرایی را انجام می‌دادند (کشاوری، ۱۳۷۰: ۱۲۴). عبدالله مستوفی مؤلف اثر سه جلدی شرح زندگانی من، در رابطه با فراش‌باشی این نکته را ذکر می‌کند که کارهایی مثل نامه‌رسانی و وصول مالیات و کارهای حکومتی را انجام می‌دادند و لباس قرمز بر تن می‌کردند. تعداد این فراشان در حکومت قاجار به هزار نفر می‌رسید (مستوفی، ۱۳۹۹: ۴۰۴-۴۰۶) که با توجه به حرفه این اشخاص و رنگ لباسشان که هم‌رنگ پوشش شاطران در دوره قاجار بوده، می‌توان به حرفه شاطری و وجود شاطران در منطقه دامغان و جزن نیز پی برد.

اهمیت روستای جزن و پیشینه حرفه شاطری

یاقوت حموی در معجم البلدان، از منطقه و غاری در کوه‌های طبرستان نام می‌برد که مسیر آن از ایالت قوس می‌گذشت. وی نوشته است: «این غار خزانه پادشاهان پیش از اسلام بوده و در آن اسلحه و ما یحتاج لشکر نگاه‌داری می‌شده است که پس از سقوط

ساسانیان این قلعه و غار آن به وسیلهٔ عمال خلیفه عباسی غارت شد» (۱۳۶۵: ۶۲). این مکان، غار شیر بند نام دارد که در دو کیلومتری روستای جزن واقع شده و قلعه نیز اشاره به قلعه‌ای است که در مرکز روستای جزن واقع شده و هنوز بقایای آن موجود است و تا کمتر از ۱۰۰ سال قبل، تمام خانوارها به دلیل محافظت از خود در برابر راهزنان در آنجا زندگی می‌کردند (ربیع‌زاده، ۱۳۸۹: ۹). در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه و محمد شاه، در روستای جزن، قلعهٔ وسیع و خندقی بود که در داخل آن ساختمان‌هایی قرار داشت که میرزا سپهسالار ساخته بود. در این مکان جنگ‌های زیادی صورت گرفته است (کشاورز، ۱۳۷۰: ۱۶۱).

در مصاحبه با پژمان بهرامیان^{۱۲} دربارهٔ اهمیت روستا، دو دلیل ذکر شد: ۱. منطقهٔ قومس در پنج کیلومتری شهر دامغان واقع شده است. ۲. به علت داشتن ده بند آب و آبیاری باغات اطراف، ساخت قلعه و آبادانی منطقه و اینکه سرکردگان امیر اعظم حکمرانی منطقه را به عهده داشته‌اند.

در رابطه با عقبهٔ افراد سرشناس، مشخص شد که در نظام مدیریتی - فامیلی، بهرامیان، خلیج و طوسی از بزرگان این روستا و صاحب نفوذ بوده‌اند و به طرق مختلف در امور حکومتی و اداری اعمال قدرت می‌کرده‌اند، در حقیقت سمت‌های نامه‌رسانی و پیام‌رسانی، شاطری و سرکردگی برای امیر اعظم و نیز سوزن‌بانی و ادارهٔ امور آب و مالیات به این خاندان واگذار شده بود.

فرمان اصلی و ریاست شاطری به دست رجبعلی، بزرگ خانوادهٔ بهرامیان بوده و این شخص شغل و حرفهٔ شاطری داشته است. بعد از رجبعلی افراد زیر به ترتیب پدر پسری همگی در دستگاه اهل‌بیت شاطر شدند و سمت جلوداری دستهٔ شاطری را بر عهده داشته و دارند. پژمان متولد ۱۳۶۲ پسر خسرو (در حال حاضر)، خسرو متولد ۱۳۳۵ پسر قدرت، قدرت متولد ۱۳۰۷ پسر غلامحسن، غلامحسن متولد ۱۲۶۰ پسر فرضعلی، فرضعلی متولد ۱۲۲۰ پسر رجب علی بهرامیان (متولد ۱۱۶۰ سال تولد تقریبی است) و چوب ارژن شاطری که امروزه خانوادهٔ بهرامیان از آن در مراسم آیینی عاشورا استفاده می‌کند، به رجبعلی متعلق است. خانوادهٔ بهرامیان به طور موروثی در دستگاه شاطری جلودار سمت راست‌اند. علامت مشخصهٔ این جلوداری و صاحب فرمان بودن

میراثی در دستگاه شاطری، به این صورت است که کلاه (عرقچین شاطری) خود را به طور مایل (کج) بر سر می‌گذارند (تصویر ۱۶). جلودار سمت چپ خانواده تقی‌پور است که در حال حاضر نوه دختری این خانواده یعنی، خانواده سمیعی در این عرصه خدمت می‌کنند. خانواده‌های بهرامیان و تقی‌پور پوشش سیاه دارند. شاطران زرد پوش و سبز پوش از طایفه فامیلی طوسی و خلیج هستند. شاطران از دیر باز دستمال‌های ابریشمی یزدی به بازوان خود می‌بستند و نوع البسه آنان جزئی از ارثیه قدیمی شاطران در این روستا محسوب می‌شود (بهرامیان، ۱۴۰۱).

پوشش شاطران در زمان معاصر در تعزیه روستای جزن

تعزیه وضعیتی را ایجاد کرد که کم‌کم همه طبقات و اصناف اجتماعی در تهیه و تدارک مراسم عزاداری مشارکت کردند. بیضایی یکی از دلایل حضور گسترده مردم را در تعزیه‌ها از میان رفتن موقت فاصله طبقاتی عنوان می‌کند (بیضایی، ۱۳۹۹: ۱۳۳). تعزیه مجلس شهادت امام حسین (ع)، ترکیب و تلفیقی از واقعیت‌های تاریخی مذهبی، اساطیر و اعتقادات است؛ برای نمونه این باور که فرشتگان و ملائکه به یاری امام حسین شتافتند (شهیدی ۱۳۸۰: ۲۸۷). امروزه در مراسم تعزیه روستای جزن^{۱۳} دامغان، علاوه بر موروثی بودن نقش شاطران، تعداد زیادی از مردم نیز نقش شاطر را بازی می‌کنند. تعزیه روز عاشورا محفلی را فراهم کرده است و شاطران آن را غنیمت می‌دانند و به هر روی سعی در برپایی و حفظ این سنت دارند. این آیین به شماره ثبت ۶۴۹ در فهرست آثار ملی ایران، به عنوان میراث فرهنگی ناملموس در دفتر ثبت آثار و حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی به ثبت رسیده است.

آئین سنتی مذهبی «ای دوستان ماه محرم آمده» با قدمت ۴۵۰ سال، از دیگر برنامه‌های معنوی در روستای جزن شهرستان دامغان است که همه ساله هم‌زمان با اولین روزهای ماه محرم برگزار می‌شود. این رسم که از باورهای مذهبی اهالی روستاست، با پوشش خاصی اجرا می‌شود. افرادی در لباس شاطران و در مقام نمادین فرشته در مراسم حضور دارند. شاطران سیاه پوش و شاطران سبز و زرد پوش همراه امام حسین و حضرت ابوالفضل هستند و یک شاطر سیاه پوش و یک شاطر سبز و زرد

ریشه‌یابی خاستگاه تاریخی، موقعیت و نوع پوشش شاطران ... | ۷۱

پوش همراه حضرت زینب (س). با توجه به اینکه شأن و حیثیت اربابان از کثرت شاطران همراه آنها مشخص می‌شود، جز این شش شاطر، دسته‌ی زیادی از شاطران نیز وظیفه‌ی دویدن در جلوی اسب امام حسین را دارند. جمعیت شاطران را هم پدران و هم پسران تشکیل می‌دهند (تصویر ۱۴ و ۱۵). در روز عاشورا، شاطران پس از پوشیدن لباس، بر چشمان خود سرمه می‌کشند. سرمه کشیدن می‌تواند نشان ارزشمندی خاک پای امام حسین و خلوص شاطران و فدا شدن در راه امام حسین باشد. این افراد، جلوی اسب امام حسین (ع) و یارانش می‌دوند و به نوعی از ورود سیدالشهدا و شهدای کربلا به میدان جنگ ممانعت می‌کنند^{۱۴} (تصویر ۶). حرفه‌ی شاطری در این روستا موروثی است و از پدر به فرزند منتقل می‌شود (آیین مذهبی شاطری جزن، ۱۳۹۸، www.irna.ir/news).



تصویر ۱۵. کلاه ساده و گرد بدون تزئین شاطران در مراسم تعزیه روستای جزن (آیین مذهبی شاطری جزن).



تصاویر ۱۴. کلاه تاج مانند تزئین‌دار شاطران در مراسم تعزیه روستای جزن دامغان (تقی‌پور، م، ۱۴۰۰) آرشیو دهیاری جزن).

نوع پوشش شاطران در مراسم تعزیه

کلاه: مهم‌ترین و مجلل‌ترین پوشش شاطران کلاهشان است. کلاه نوع اول، تاج است که در تزئین آن از مروارید، آئینه، پول و مهره‌های رنگی استفاده شده است و سه دایره‌ی تزئینی در بالای آن وجود دارد (تصویر ۱۴ و ۱۵). کلاه نوع دوم به صورت یک کلاه

پنبه‌ای گرد است که همان‌طور که در تصاویر ۱۶ و ۱۵ مشخص است، اصولاً به حالت کج گذاشته می‌شود تا سردسته شاطران و جلودارها مشخص شود. حالت کج این کلاه ساده نیز یادآور کلاه شاطران در دوره صفویه است.

بال فرشتگان: تصور بال‌های فرشتگان در پوشش شاطران به صورت پرهای رنگینی است که با دستمال‌های ارغوانی رنگ به شکل شعله‌سان و متحرک از بالای بازوان تا مچ به تعداد شش عدد بسته می‌شود. در هنگام دویدن این پرهای رنگین به حرکت در می‌آیند (تصویر ۱۷ و ۱۵).

چوب‌دست: تمام شاطران در مراسم تعزیه عصای چوبی به نام ارژن^{۱۵} در دست دارند که یک سمت آن ضخیم است. چوب‌دستی دم‌گاو که سر برجسته‌ای دارد و باید قسمت ضخیم‌تر بر روی زمین قرار بگیرد (تصویر ۱۶).

شال تن پوش و مچ پیچ: بر روی سینه شاطران شالی ابریشمی به شکل ضربدر به بدنشان پیچیده است و سینه و بازوانشان را محکم نگه می‌دارد و به کمر متصل می‌شود. دستمال‌هایی هم به دور گردن می‌بندند و جوراب‌هایی ساق بلند همانند مچ پیچ‌های مختصری هم به دور پای خود می‌پیچند (تصاویر ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۱۴ و ۱۹).



تصویر ۱۷. دسته شاطران همراه چوب‌دست و دستمال‌های ارغوانی رنگ در حکم بال‌های فرشته (آئین مذهبی شاطری جزن. www.irna.ir/news. ۱۳۹۸)



تصویر ۱۶. سردسته شاطران با کلاه کج در جلو و پسران و نوه‌های بهرامیان در لباس شاطری در پشت سر دسته شاطران در روستای جزن (آرشیو عکس‌های قدیمی در دهیاری جزن. ۱۳۴۰).

ریشه‌یابی خاستگاه تاریخی، موقعیت و نوع پوشش شاطران ... | ۷۳

بازوبند: شاطر به بازوی خود یک بازوبند می‌بندد که شامل دایره‌ی تزئین شده با نماد ستاره‌ی هشت‌پر است، (تصویر ۱۹). بازوبندها از مشهورترین اشیاء طلسمی تعویذی در فرهنگ ایرانی‌اند که صرفاً کارکرد بلاگردانی و کارگشایی دارند. این باور دیرین که فضاهای دایره‌ای و حلقه‌ای حافظ هر آن چیزی است که در درون حلقه جای دارد، سبب کاربرد دایره‌های حمایت‌کننده به اشکال مختلفی همچون بازوبند شده است (گربان شوالیه، ۱۳۸۲: ۱۷۴). نشان ستاره‌ی هشت‌پر که نماد خورشید است، مهم‌ترین مظهر طبیعی قداست است و به منزله‌ی چشم اهورامزدا و در متون اسلامی، چشم همه‌نگر و همه‌آگاه خداوند است (بهزادی، ۱۳۸۰: ۵۵).



تصویر ۱۹. طریقه بستن شال ضربدری و بستن بازوبند دارای نقش ستاره هشت پر (نگارنده، روستای جزن، تابستان ۱۴۰۰).

تصویر ۱۸. شاطران در حال دویدن. بستن شال ضربدری دور گردن و جوراب روی شلوار، به جای پا پیچ (تقی‌پور، ۱۴۰۰).

جدول ۱. بررسی نوع پوشش شاطران در دوره‌های تاریخی

دوره باستان و (قرن اول هجری)	فتوت‌نامه شاطران (قرن ۸)	دوره صفوی	دوره قاجار	دوره پهلوی	دوره معاصر
کلاه	تاج و کلاه تباله (تزئین شده) همراه پارچه و پر	کلاه کج به همراه پر کلاه عمامه‌ای. بلند همراه تزئین و پر	کلاه نمدی تاجی و بلند. دارای موی اسب و یا گل پشمی در چهار گوشه بالا. تزئین نشان و پولک فلزی	کلاه بلند همراه با تزئینات آیینه و پولک و فلز. کلاه مراسم مذهبی با تزئینات کمتر و کوتاه‌تر	تاج مزین به مهره و آیینه و مروارید و کلاه ساده عرق چین و مایل که مشخصه جلودار دسته شاطری است
پوشش بالا تنه	پیشبند چرمین به نام نطعی و بالاتنه برهنه	سینه‌پوش یا نیم‌تنه و هفت سوره نوشته بر روی آن	پیراهن بلند و که جلوی آن تا خورده و زیر کمر بند قرار دارد شال سفید چندلا و بندهای چرمین بسته شده بر روی سینه و پهلو.	کت بلند ولی نه به اندازه قبا	دو شال ضربدری بر روی سینه و شال‌های زیاد (۶ عدد) به هر دست و بسته شده به بازوان و سردست هر دو دست شاطر به رنگ سیاه است.

دوره‌ی معاصر	دوره‌ی پهلوی	دوره‌ی قاجار	دوره‌ی صفوی	فتوت‌نامه شاطران (قرن ۸)	دوره‌ی باستان و (قرن اول هجری)	پوشش شاطران
کمربند همراه سگک یا چهارقد ابریشمی و شال دور گردن	کمربند چرمین	کمربند پولک‌دار	کمربند با سه زنگوله‌ی آویزان بر روی شکم	مرس یا ریسمانی ۱۲ رشته به نشانه‌ی ۱۲ امام و زنگ حیدری مهره		پوشش کمر و گردن
شلوارهای گشاد و معمولی	شلوار گشادتر	شلواری که تا زانو به زیر جوراب است	شلوار تنگ که زیر مچ پیچ قرار داشت.	لنگ یا یش بند (نطعی)	لنگ و شلوارهای باستانی	پوشش پایین‌تنه
چوب درخت بادام کوهی به نام ارژن که قسمت انتهایی به شیوه‌ی سستی ضخیم طراحی شده است	چماق سر نقره‌ای	چماق سر نقره‌ای و چوب‌دست‌های ساده و بند بند	عصای سرکج بلند که تبدیل به چوب کوتاه‌گرز مانند و یا همراه تبرزین که سر قطور آن به طرف پایین است.	نجنج (تبرزین) یا چوب سخت و سرخ‌رنگ به نام تبلغو		چوب‌دست

دوره معاصر	دوره پهلوی	دوره قاجار	دوره صفوی	فتوت‌نامه شاطران (قرن ۸)	دوره باستان و (قرن اول هجری)	پوشش شاطران
دایره تزئین شده با نگین و نماد ستاره هشت پر		نواردوزی بر روی بازوان	تعویذ و طلسم	بستن زنگ حیدری به بازو		بازوبند
جوراب‌های بلند یا پاپوش سنتی	جوراب بلند بر روی شلوار	جوراب‌های بلند بر روی شلوار	شلوار تنگ و مچ پیچ و بعضی مواقع نیم چکمه	ساق پوش که باز مهره بر زانوهای پیر با اشاره علی (ع) ایجاد شده بود.		ساق پا و پا پوش

(نگارنده)

جدول ۲. شباهت لباس شاطران معاصر با شاطران در دوره‌های تاریخی

نوع پوشش	شاطر دوره معاصر	شاطر از دوره‌های تاریخی و توضیح تکمیلی دوره تاریخی
نوارهای رنگی متصل به دست از بازو تا مچ		نواردوزی آستین مربوط به دوره قاجار 
کلاه و تاج		کلاه با تزئینات فراوان مربوط به دوره قاجار و صفوی و تیموری  
چوب‌دست		چوب‌دست مربوط به دوره صفوی و تیموری همراه تبرزین و چوب‌دست فلزی و چوبی بند بند مربوط به قاجار  
بازوبند	 	اشاره به بازوبند پهلوانان مربوط به دوره صفوی است. و اشاره به زنگ حیدری بستن شاطران در قرن هشتم. بازوبند پهلوانی مربوط به دوره صفوی در قسمت مرکز هشت ضلعی و هشت قسمت شباهت به ستاره هشت پر دارد (malekmuseum.org).

توضیح تکمیلی دوره تاریخی	شاطر از دوره‌های تاریخی و	شاطر دوره معاصر	نوع پوشش
<p>شاطران از دوره صفوی. بندهای چرمین و شال‌های پارچه‌ای را بر روی سینه و کمر خود می‌بستند.</p>			<p>شال ضربدری و کمر بند</p>
<p>مچ پیچ‌ها از قرن دوم هجری برای شاطران مرسوم بوده و نیز در دوره قاجار و صفوی</p>			<p>مچ پیچ</p>
	<p>- لنگ‌های قرمز رنگ در دوره باستان و شلوارهای کبود رنگ پهلوانی. - در دوره صفوی، تونج رنگ با توجه به نگارگری‌ها. - در دوره قاجار لباس سرخ رنگ</p>	<p>سیاه و سبز همراه با دستمال‌های رنگی زرد و مشکی و ارغوانی.</p>	<p>رنگ پوشش</p>

(نگارنده)

جدول ۳. بررسی جایگاه اجتماعی شاطران در دوره‌های تاریخی

دوره باستان و اوایل اسلامی	دوره تسلط مغولان و تیموری و ایلخانی	دوره صفویه	دوره قاجار	دوره پهلوی	دوره معاصر (شصت سال اخیر)
خصلت پهلوانی و جنگجویی (در کسوت عیاری)	مبارزه با بیگانگان و خدمت به دولت (همکاری با عیاران)	شخص چالاک و نوکر پیاده شاهنشاه و جلودار پادشاهان (امور پیک و در خدمت پادشاه)	به عنوان محافظ همراه با گارد پادشاهی و محافظ پایتخت (در خدمت بزرگان)	نقش محافظان در مراسم تاجگذاری و محافظت از کاروان‌ها (در خدمت دولتمردان)	نقش نمادین و نمایشی فرشتگان در صحنه عاشورا (روستای جزن دامغان) (در خدمت مراسم عزاداری)

(نگارنده)

نتیجه‌گیری

با توجه به موقعیت اجتماعی و پوشاک متنوع شاطران، مشخص می‌شود که جایگاه شاطران در تمام دوره‌های تاریخی اهمیت بسیار داشته است. در پاسخ به سوال اول، تحقیق در زمینه نوع پوشش و تزئینات شاطران در روستای جزن نشان می‌دهد که پوشش شاطران نوع و رنگ متنوعی داشته و دارد. لباس شاطران که تاج، دستمال دور گردن، کمر بند و دستمال‌های ضربدری بر روی سینه، بازوبند، مچ پیچ و چوب‌دست را شامل می‌شود، به اصول فکری فتوت‌نامه شاطران برمی‌گردد و نسل به نسل به صورت موروثی حفظ شده است. تزئینات تاج و پوشش، به تصاویر به جای مانده از دوره قاجاریه و صفویه شباهت دارد. لباس شاطران در تعزیه روستای جزن، همانند تمام دوره‌های گذشته رنگی است، اما بنا بر اعتقادات مذهبی و نقش نمادین فرشته در مراسم عزاداری و مقدس بودن مقام فرشته، رنگ لباس فرشته مشکی و سبز و رنگ

شال‌ها و دستمال‌ها، زرد و سیاه و سبز و ارغوانی است.

در پاسخ به سوال دوم باید گفت که در دوره صفویه با توجه به ورود سیاحان اروپایی به ایران و اهمیتی که پادشاهان صفوی به آنها می‌دادند، جایگاه اجتماعی و نوع پوشش شاطران تحت تأثیر اروپاییان تغییر کرد. چنان که کلاه کج لبه‌دار و تبدیل میج پیچ به جوراب، از اروپاییان اقتباس شد. در دوره قاجار با سفر پادشاهان قاجار به اروپا، جایگاه اجتماعی و لباس شاطران به نظامیان و گارد پادشاهان انگلستان شباهت پیدا کرد و از آنها الگوبرداری شد. در دوره معاصر، در مراسم تعزیه با توجه به اعتقادات مذهبی و سنن فرهنگی، رنگ و فرم لباس شاطران در قالب فرشتگان، به رنگ پوشش امام حسین و عزاداران او تغییر پیدا کرد و از حالت نظامی خارج شده و حالتی عرفانی به خود گرفته است.

در پاسخ به سؤال سوم باید گفت که جایگاه شاطران در مراسم عاشورا، مؤلفه‌های اخلاقی همچون مروت، جوانمردی و پا به رکاب بودن در دستگاه اهل بیت را یادآور است. شاطری در ذات خود این اصول اخلاقی را تداعی می‌کند که بخشی از هویت اعتقادی و ملی است. جایگاه شاطران در روز عاشورا، از هویت و منش این دسته از شاطران در ایامی غیر از عاشورا جدا نیست، بلکه تداعی‌کننده فرهنگی است که از دیرباز در این مرز و بوم رایج بوده و امروزه به علت پیشرفت تکنولوژی، این پیشه با تمام مؤلفه‌های متعلق به خود، از بین رفته است. در حقیقت جایگاه شاطران در روستای جزن در روز عاشورا و غیر عاشورا قابل تفکیک نیست و نسل‌های گذشته در روستا، اگرچه در گذشته پیشه شاطری داشته‌اند، همچنان شاطری را به عنوان فرهنگ تداعی‌کننده دنبال کرده‌اند. پیشه و شغل شاطری در حکم پهلوانی و عیاری در دوران گذشته قلمداد می‌شده است. در پیشه شاطری، امانت‌داری، فتوت و جوانمردی لازمه این شغل بوده و این فرهنگ در عاشورا نیز اعمال شده است و بر این اساس هر دو جایگاه از یک فرهنگ سرچشمه می‌گیرد. در دوره‌های تاریخی، شاطری رنگ روزمرگی به خود می‌گرفت، چون یک پیشه محسوب می‌شد، اما در عاشورا رنگ اعتقادی به خود گرفته است، چون در سال، یک بار به احترام امام حسین برگزار می‌شود.

منابع

- افشاری، مهران و مهدی مدائینی (۱۳۸۸)، چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، تهران: چشمه.
- انصافیپور، غلامرضا (۱۳۵۳)، تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه، وزارت فرهنگ و هنر، تهران: مرکز مردم‌شناسی ایران.
- بابویه، م. ع (۱۳۷۶). *امالی شیخ صدوق*، تهران: اسلامیه.
- بهزادی، رقیه (۱۳۸۰)، *نماد در اساطیر، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، کتاب ماه هنر، شماره ۳۶-۳۵، صص ۵۲-۵۶.
- بهرامیان، پژمان (۱۴۰۱)، *تاریخچه شاطران در روستای جزن*، فایل صوتی بر گرفته از bahramian@econ.queensu.ca (DEPARTMENT OF ECONOMICS, Queens University, Kingston, Ontario Canada)
- بیضایی، بهرام (۱۳۹۹)، *نمایش در ایران*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- بیغمی، محمد (۱۳۳۹)، *داراب‌نامه*، به کوشش ذبیح‌الله صفا، جلد ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۱)، *دایره‌المعارف هنر*، تهران: فرهنگ معاصر.
- پوپ‌آرتور، اپهام (۱۳۸۷)، *سیری در هنر ایران*، جلد ۱۰، تهران: علمی و فرهنگی.
- تقی‌پور، محمد رضا (۱۴۰۰)، *عضو دوره پنجم و ششم شورای اسلامی روستای جزن*، آرشیو تصاویر دهیاری جزن.
- حموی، یاقوت (۱۳۶۵)، *معجم‌البلدان*، جلد ۴، تهران: اسدی.
- حسینی‌راد، عبدالمجید (۱۳۸۴)، *شاهکارهای نگارگری ایران*، ترجمه کلود کرباسی، ماری پرهیزگاری، پیام پریشان زاده، تهران: موزه هنرهای معاصر.
- دروویل، گاسپار (۱۳۴۸)، *سفرنامه گاسپار دروویل*، ترجمه جواد محیی، تهران: نیکفرجام.
- داعی‌الاسلام، سید محمدعلی (۱۳۰۸)، *فرهنگ نظام*، جلد ۳، طهران: حیدر آباد دکن.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه دهخدا*، جلد ۸، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ذوالفقاری، حسن (خرداد ۱۳۷۲)، *فرهنگ‌نامه عاشورا*، نشریه کیهان فرهنگ، شماره ۹۸، صص ۲۸-۳۳.
- ربیع‌زاده، علی (۱۳۸۹)، *طاق روستایی در دامنکوه دامغان*، تهران: حبله رود.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۲)، *سفرنامه مادام کارلا سرنا، آدمها و آیینها در ایران*، ترجمه علی اصغر شهیدی، مشهد: زوار.
- سعدوندیان، سیروس (۱۳۹۰)، *خاطرات مونس‌الدوله*، تهران: زرین.

- شاردن، ژان (۱۳۳۵)، *سیاحتنامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، جلد ۴، تهران: امیرکبیر.
- شایسته فر، مهناز (اردیبهشت ۱۳۸۱)، *مقبره چهل دختران دامغان*، هنر و معماری، نشریه هنرهای تجسمی، شماره ۱۶، صص ۶۴ - ۶۸.
- (۱۳۹۳)، *شاهنامه طهماسبی*، نسخه‌ای از شاهنامه فردوسی، تهران: موزه هنرهای معاصر تهران و فرهنگستان هنر.
- شهیدی، عنایت‌الله و علی بلوک‌باشی (۱۳۸۰)، *پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران*، تهران: دفتر نشر پژوهش‌های فرهنگی و بنیاد ملی یونسکو.
- شیرازی، محمد معصوم (۱۳۸۳)، *طرائق الحقایق*، به تصحیح محمد جعفر محجوب، جلد ۲، تهران: سنایی.
- کاظمینی، کاظم (۱۳۵۳)، *نقش پهلوانی و نهضت عیاری در تاریخ اجتماعی و حیات سیاسی ملت ایران*، تهران: بانک ملی ایران. فایل دسترسی نشانی الکترونیک:
<https://kaffeketab.ir/%D9%BE%D9%87%D9%84%D9%88%D8%A7%D9%86%D8%B9%DB%8C%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%B2%D9%88%D8%B1%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%87>
- کشاورز، محمدعلی (۱۳۷۰)، *تاریخ و جغرافیای دامغان*، تهران: هیرمند.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۵۰)، *در دربار شاهنشاه ایران*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انجمن آثار ملی.
- گریبان شوالیه، ژان و آلن (۱۳۸۲)، *فرهنگ نمادها*، ترجمه سودابه فضائلی، جلد ۳، تهران: جیحون.
- گویینو، ژوزف آرتور (۱۳۶۷)، *سفرنامه گویینو، سه سال در آسیا*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: قطره.
- محجوب، محمدجعفر (۱۳۷۱)، *جوانمردی در ایران اسلامی*، مجله تحقیقات ایران‌شناسی (ایران نامه)، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۱۶۷.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۹۹)، *شرح زندگانی من*، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، جلد ۱، تهران: زوار.
- معین، محمد (۱۳۸۲)، *فرهنگ معین*، جلد ۳، تهران: امیرکبیر.
- مدرسی عالم، معصومعلیشاه و محمد جعفر محجوب (۱۳۳۹)، *طرائق الحقائق*، جلد ۲، تهران: بارانی.
- ملک‌پور، جمشید (۱۳۵۸)، *ادبیات نمایشی در ایران*، نخستین کوشش‌ها تا دوره قاجار، جلد ۱، تهران: توس.

ریشه‌یابی خاستگاه تاریخی، موقعیت و نوع پوشش شاطران ... | ۸۳

موریه، جیمز (۱۳۸۶)، *سفرنامه جیمز موریه*، ترجمه ابوالقاسم سری، جلد ۱، تهران: توس.
میرجعفری، حسین (۱۳۵۶)، *شاطری و شطر دوانی در عصر صفویه*، نشریه هنر و مردم، شماره
۱۷۴، صص ۵۰ - ۶۱.

یزدی، شرف‌الدین، علی (۹۳۵ هجری)، *ظفرنامه تیموری*، جلد ۱، تهران: کاخ گلستان
<https://www.irna.ir/news/83470906/%D8%A2%DB%8C%DB%8C%D9%86-%D8%B4%D8%A7%D8%B7%D8%B1%DB%8C-%D8%AC%D8%B2%D9%86-%D8%AC%D9%84%D9%88%D9%87-%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%D8%B2-%D8%AF%D9%84%D8%AF%D8%A7%D8%AF%DA%AF%DB%8C-%D9%81%D8%B1%D8%B4%D8%AA%DA%AF%D8%A7%D9%86-%D8%B9%D8>

ایرنا، (۱۹ شهریور ۱۳۹۸)، آیین مذهبی شاطری جزن.

<https://mashruteh.org/wiki/index.php?title=%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87:RezaShahBozorgCoronation19a.jpg>:

(۱۳۰۵ تاج‌گذاری، اردیبهشت ۴).

<http://malekmuseum.org/artifact/1393.07.00026/%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D9%88%D8%A8%D9%86%D8%AF+%D8%A8%D8%A7+%D9%82%D8%A7%D8%A8+%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86>

Steele, V (1955) *Encyclopedia of Clothing and Fashion*, volume 3, New York: p p.41, 1971.Thomson

پی‌نوشت‌ها

۱. در داستان مربوط به حسین کرد شبستری نیز آمده است که وقتی وارد فلان شهر شد، لباس رزم پوشید و زنگ‌های حیدری به کمر آویخت و روانه مقصد شد. میرمعصوم، شاعر کاشی معاصر شاه عباس، به زنگ پهلوانی اشاره می‌کند و می‌گوید: محمل لیلی گرانبارست از اسباب ناز (افشاری و مدائینی، ۱۳۸۸: ۱۳۵-۱۲۱).
۲. تباله [ت ل] (اخ) شهری است به یمن بسیار زراعت و فواکه: دهخدا
۳. است که در عصر صفوی جهانگرد و بازرگان فرانسوی Jean-Baptiste Tavernier
۴. سیاح مشهور آلمانی Engelbert kaempfer
۵. جهانگرد فرانسوی Jean Chardin
۶. در دوره قاجار افسر فرانسوی Gaspard Drouville
۷. نویسنده بریتانیایی در دوره قاجار James Justinian Morier
۸. نویسنده فرانسوی Arthur de Gobineau
۹. جهانگرد ایتالیایی Carla Serena
۱۰. جهانگرد و ماجراجوی انگلیسی Robert Shirley
۱۱. نوعی لباس بلند مردانه که پشتش چین داشته روی لباس های دیگر می‌پوشیدند (معین، ۱۳۸۲).
۱۲. DEPARTMENT OF ECONOMICS, Queens University, Kingston, Ontario Canada
۱۳. جزن یا گز روستایی در دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان دامغان است که در ۵ کیلومتری شمال شرقی این شهر واقع شده و براساس سرشماری سال ۹۵، یک هزار و ۸۱۸ نفر جمعیت دارد (خبرگزاری ایرنا، سمنان، www.irna.ir/news)
۱۴. روایت از امام صادق(ع): «چهار هزار فرشته نازل شدند تا همراه امام حسین(ع) بجنگند، ولی به آنان اجازه جنگیدن داده نشد. دوباره اذن گرفتند و فرود آمدند و این وقتی بود که حسین(ع) کشته شده بود» (بابویه، ۱۳۷۶: ۶۳۷).
۱۵. ارژن یا بادام کوهی، نام درختی است. ارژن گونه مقاومی است که در خاک‌های آهکی و در میان تخته‌سنگ‌های کوهستان‌ها نیز می‌روید، ریشه‌های عمیق و مقاوم در برابر کم آبی و وزش بادهای شدید دارد (مظفریان، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

List of sources with English hand writing

- Afšārī, Mehdī. Madāenī, Mehrān (1388), čāhārdah resāle dar bab-e Fotūvat va ašnāf, 3rd Edition, Tehran: češmeh.
- Enšāfpoūr, Ġolāmrezā. (1353), History and culture of Zūrķāneh and Zūrķāneh social groups. Ministry of Culture and Arts 1rd Edition. Tehran: Anthropology Center of Iran.
- Bābveī, M. (1376). Amālī Šeīķ Šadūq. 6rd Edition. Tehran: Islamia.
- Behzādī, Roqayeh. (1380). Symbol in mythology. A pictorial culture of symbols in Eastern and Western art. Book of the Month of Art. Pp. 35-36, pp. 52-56.
- Bahramian, Pezhman (1401). History of Šāterān in Jazan village. Audio file taken from bahramian@econ.queensu.ca department of economics, Queens University, Kingston, Ontario Canada.
- Beīzāeī, Bahrām. (1399). Performance in Iran. 11rd Edition. Tehran: Enlightenment and Women's Studies.
- Beīqamī, Moḥammad. (1339). Dārābnāmeḥ, by the effort of Zabīḥullāh Šafā, 3rd Edition, Tehran: Book translation and publishing company.
- Pākbāz, Rouīn. (1381). Encyclopedia of Art. 3rd Edition. Tehran: Contemporary Culture.
- Pope, Arthur Upham. (2008). A survey of Persian art, from prehistoric times to the present. Tehran Scientific and Cultural Publications.
- Taqīpoūr, Moḥammad Reżā. (1400) Member of the fifth and sixth term of the Islamic Council of Jazan village. Archive of Dehyari Jazan pictures.
- Ḥamavī (1365). Mo‘jam al-Boldān. 1rd Edition. Tehran: Asadī Publications.
- Ḥosseīnī Rād, ‘Abdolmaǰīd. (1384). Masterpieces of Iranian painting. Translated by Claude Karbāsī, Marie Parhizgari, Payam Parishanzadeh. Tehran: Museum of Contemporary Art.
- Drouville, Gaspard. (1348). Voyage en Perse, fait en 1812 et 1813, 1828. Translated by Javād Moḥī. 1rd ed, Tehran: Nikfarǰām.
- Dā‘ī al-Islam Seyyed Moḥammad ‘Alī (1308). Farhang-e Neżām. Vol.3. 1rd Edition Tehran: Hyderabad Deccan.
- Deḥkodā, ‘Alī Akbar. (1373). Loḡat-Nāme Deḥkodā..vol.7. 1rd Edition. Tehran: University of Tehran Press.
- Zūlfāqārī, Ḥassan. (1372). Frhang-Nāme ‘Ašūrā. Našriye Kayhan Farhang, no. 98. P. 28-33.
- Rabī‘īzādeh, ‘Alī. (1389). Tāq-e Rūstāeī dar Dāmankooḥ-e Damghan. 1rd Edition Tehran: Ḥableh Roūd Publications.
- Serna, Carla. (1362). Madame Carlasrena's Travelogue, People and Rituals in Iran. Translated by ‘Alī Ašḡar Šahīdī. 1rd Edition. Mashhad: Zavār
- Sa‘dvandīyān, Sīrūs. (1390) kāterāt-e Mons Al-Dawlah. 3rd Edition. Tehran: Zarrīn.
- Chardin, Jean. (1335). Chardin Travelogue. Translated by Moḥammad ‘Abbāsī. 1rd Edition. Vol.4. Tehran: Amīr Kabīr.
- Šāyesteh Far. Mahnāz.. (1381). Tomb of forty girls in Damghan. Art and Architecture. Journal of Visual Arts. Ordībehesht. No. 16. P. 64-68.
- Šāhnāmeḥ Ṭahmāsebī. (1393). A copy of Ferdowsī Šāhnāmeḥ. 1rd Edition. Tehran: Tehran Museum of Contemporary Art and Academy of Arts.
- Šahīdī, ‘Enāyatullāh and Bolūk Bāšī. ‘Alī (1380). A study on ta‘ziyeh and ta‘ziyeh-kānī from the beginning to the end of the Qajar period in Tehran. Tehran: Cultural Research Publishing Office and UNESCO National Foundation.

- Shīrāzī, Moḥammad Ma‘soom (1383). *Ṭarā‘eq al-Ḥaqā‘eq*. Corrected by Moḥammad ja‘far Maḥjūb. 2nd Edition. Vol. 2..Tehran: Sanāeī Publications.
- Kāzemeīnī, Kāzem (1353). The role of heroism and the ‘Ayārī movement in the social history and political life of the Iranian nation. Tehran: National Bank of Iran: D8% B9% DB% 8C% D8% A7% D8% B1% DB% 8C-% D8% B2% D9% 88% D8% B1% D8% AE% D8% A7% D9% 86% D9% 87 /)
- Kešāvarz, Moḥammad ‘Ali (1370). History and geography of Damghan. 2nd Edition. Tehran: Hermand Publishing.
- Kempfer, Engelbert. (1350). In the court of the Shah of Iran. Translated by Keikāvouš Jahāndārī. 1st Edition. Tehran: Anjoman-e Ātār-e Mellī.
- Chevalier, Jean, Jean and Allen. (1382). Dictionnaire des symboles: mythes, rêves, coutumes. Translated by Soodābeh Fazāelī. Vol.3. 2nd Edition. Tehran: jeyhūn.
- Gobineau, Joseph Arthur. (1367). *Trois ans en Asie)de 1855 a 1858(1859*). Translated by ‘Abdolreżā Hoūšang Maḥdāvī. Tehran: Qaṭreh.
- Maḥjōūb, Moḥammad ja‘far. (1371). Manliness in Islamic Iran. *Journal of Iranian Studies (Irannameh)*, Year 11. No.1, p 7-16.
- Mostūfī, ‘Abdollaḥ. (1399). *Šarḥ-e Zendegānī-ye Man*. Social and administrative history of the Qajar period. Tehran: Zavār Publications.
- Mo‘īn, Moḥammad. (1382). *Farhang-e Mo‘īn*.Vol.3. 1st Edition. Tehran: Amīr Kabīr.
- Modarresī ‘Ālam, Ma‘soom ‘Alī Šāh, Maḥjōūb, Moḥammad ja‘far (1339). *Ṭarā‘q al-Ḥaqā‘eq*, 1st Edition. Vol.2. Tehran: Barānī Publications
- Mālekpoūr, Jamšīd (1358). *Dramatic literature in Iran. The first attempts until the Qajar period* .2nd Edition. Vol.1, Tehran: Toos.
- Morier, James Justinian (1386). *A Journmey through Persia, Armenia,*. Translated by Abūlqāsem Sarī. Tehran:: Toos.
- Mīrja‘farī, Hosseīn. (1356). *Šāterī va Šaṭar Davānī dar ‘Ašr-e šafavīye*. *Journal of Art and People*. No. 174, p 50-61.
- Yazdī, Šarafuddīn, Alī (935 AH). *zafarnāmeḥ Teymoūrī*. Vol.1. 1st Edition.Tehran: Golestan Palace.